

زهري نقل کرده است که چون به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خیر رسید که گروه بزرگی از بنی سلیم در بخران گرد آمده‌اند، آمادهٔ مقابله شد و بی آن که از مقصد خود سخنی بگوید، با سید مرد از اصحاب از مدینه بیرون آمد و یک شب به بخران رسید (جزء ۱، ص ۱۹۶). چون جنگی پیش نیامد، ماه ربیع الآخر را در آنجا ماند و در ماه جمادی الاولی به مدینه بازگشت (ابن قیم جوزیه، جزء ۲، ص ۹۱). این غزوه را برخی از مورخان غزوة الفُرْع (ابن هشام، همانجا؛ ابن کثیر، ج ۳، ص ۴) و برخی غزوة بنی سلیم (واقدی، همانجا؛ ابن سعد، جزء ۲، قسم ۱، ص ۲۴) و بعضی دیگر غزوة بخران (ابن حیب، ص ۱۱۲) نامیده‌اند.

منابع: ابن اسحاق، سیرة ابن اسحاق، چاپ محمد حمیدالله، ترکیه ۱۲۰۱/۱۹۸۱؛ ابن حیب، کتاب المعثر، بیروت ۱۳۶۱؛ ابن سعد، کتاب الطبقات الکبیر، چاپ ادوارد سخو، لیدن ۱۳۲۱-۱۳۲۷؛ ابن قیم جوزیه، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، بیروت [بنی نا]؛ ابن کثیر، السیرة النبویة، چاپ مصطفی عبدالواحد، بیروت [بنی نا]؛ ابن هشام، تهذیب سیرة ابن هشام، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره ۱۹۸۹/۱۲۰۹؛ محمد بن عمر واقدی، کتاب المغازی للواقدی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، چاپ روستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۲، چاپ است تهران ۱۹۶۵.

/ حسین قرچانلو /

بهرانی، احمد بن محمد بن یوسف بن صالح، از مشاهیر فقهای امامی بحرین در قرن یازدهم که او را سرآمد فقیهان روزگار خود در آنجا دانسته‌اند. از مردم سرزمین ساحلی الخط بود اما خود در دهکدهٔ مقابله، نزدیک گوشهٔ شمال غربی بحرین، متولد شد و پرورش یافت (— لاریمر، ص ۲۲۴)، ازینرو او را خطی مقابی خوانده‌اند. بهرانی طی چند سال اقامت در اصفهان، از محمدباقر مجلسی* (متوفی ۱۱۱۰) اجازه گرفت (خوانساری، ج ۱، ص ۸۷) و برای تحصیل علم بیشتر به محضر محمدباقر سبزواری* (متوفی ۱۰۹۰) پیوست. او و برادرانش، یوسف و حسن، در ۱۱۰۲ هنگام زیارت در کاظمین به بیماری طاعون درگذشتند و بهرانی همانجا به خاک سپرده شد، احتمالاً به هنگام مرگ چندان مسن نبود، زیرا پدرش تا یک سال پس از او زنده بوده است.

اطلاعات محدود دربارهٔ بهرانی بیشتر مبتنی بر شرح حالی است که شاگردش سلیمان بن عبدالله ماحوزی (متوفی ۱۱۲۱) نوشته است. به نوشتهٔ او، بهرانی در اصول و فروع ممتاز و در عربی صاحب سبکی فصیح و نیز شاعری توانا بود. از کتاب

منابع: محمد بن ابی طالب دمشقی، کتاب نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، چاپ مرن، سن بطرزبورگ ۱۸۶۵؛ زکریا بن محمد قزوینی، کتاب آثار البلاد و اخبار العباد، چاپ فردیناند روستنفلد، ویسبادن ۱۹۶۷؛ همو، کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، چاپ فردیناند روستنفلد، ویسبادن ۱۹۶۷؛ علی بن حسین مسعودی، کتاب التنبیه والاشراف، چاپ دخویه، لیدن ۱۹۶۷؛ همو، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ باریه دومنار و پاره دوکورتی، پاریس ۱۸۶۱-۱۸۷۷؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، چاپ فردیناند روستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۲

Muhammad b. Djābir Battānī, *al-Battānī sive Albatēnī opus astronomicum... arabice*, ed. C.A. Nallino, Rome 1899; Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Literatur*, Leiden 1943-1949, Supplementband, 1937-1942; Ibn Khaldūn, *Histoire des Berbères*, vol. I, Paris 1925; Muhammad b. Muhammad Idrīsī, *Géographied'Édrīsī*, tr. P. Amédec Jaubert, Paris 1836-1840; E. Lévi-Provençal, *Histoire de l'Espagne musulmane*, Cairo 1944-1953; H. Munis, "Contribution à l'étude des invasions des Normands en Espagne", *Bulletin de la Société Royale d'Etudes Historiques, Egypte*, vol. II (1950).

/ د.م. دانلب (د. اسلام) /

بحرال مغرب — بحرال روم

بحرال ملح — بحر لوط

بحرال میت — بحر لوط

بحرال هند — هند، اقیانوس

بخران (اصطلاح پزشکی) — تب

بخران (یا بخران)، محلی در ناحیهٔ فُرْع (یا فُرْع) در حجاز که با مدینه* هشت برید (= ۴ فرسخ (پارسنگ))، ۲۴ کیلومتر] فاصله دارد (یاقوت حموی، ج ۱، ص ۴۹۸). بخران ضمناً محل معدنی بوده که به حجاج بن علاط بهزی تعلق داشته است (ابن اسحاق، ص ۲۹۴). اهمیت این محل در تاریخ اسلام از آن جهت است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، در ماه ربیع الآخر سال سوم به قصد [مقابله با] قریش مدتی در آنجا اقامت کرد (ابن هشام، ص ۱۲۸). واقدی از قول مَعْمَر بن راشد و او از

ص ۳۸۹) نقل کرده، در آغاز جوانی برای تحصیل به شیراز رفت و سرآمد اقران شد. در آن زمان، در شیراز علما و فضلاء بسیاری بودند، ازینرو بخرانی و صالح بن عبدالکریم بنا گذاشتند که یکی از آنها به هند سفر کند و دیگری در شیراز بماند و هرکدام که در فعالیت‌های خود موفقیتی یافت، دیگری را مساعدت کند. بعدها هرکدام در شهر خود مرجعیت یافتند (یوسف بخرانی، ص ۷۰؛ خوانساری، ج ۲، ص ۱۹۲؛ امین، همانجا).

بخرانی در حیدرآباد مرجعیت یافت و مورد توجه عبدالله بن محمد (حک: ۱۰۲۰-۱۰۸۳) از سلاطین سلسله شیعه مذهب قطبشاهی حیدرآباد، قرار گرفت (حسنی، ج ۵، ص ۱۱۰؛ نوری، همانجا). یوسف بخرانی نسبت به تألیفات او اظهار بی‌اطلاعی کرده (همانجا) ولی محدث نوری (همانجا) و به نقل از او علی بن حسن بخرانی (ص ۱۳۰) تألیفات و تعلیقاتی برکتب تفسیر و حدیث و علوم عربی و غیر آن به او نسبت داده‌اند، از جمله اللباب که آن را برای سید علی خان مدنی فرستاد. به گفته محدث نوری (همانجا)، سخن یوسف بخرانی مبنی بر دست‌نیافتن بر آثار جعفر بخرانی ناشی از عدم اطلاع اوست.

بخرانی در ۱۰۸۸، و به قولی ۱۰۹۱، در حیدرآباد دکن هند وفات یافت (یوسف بخرانی، ص ۷۰، پاورقی؛ خوانساری، همانجا؛ امین، ج ۴، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ نوری، همانجا). کشمیری (ص ۸۶) وفات او را در ۱۰۸۰ نوشته که اشتباه است.

منابع: محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ علی بن حسن بخرانی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف والاحساء و البحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طیبی، قم ۱۴۰۷؛ یوسف بن احمد بخرانی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمدصادق بحرالمعلوم، قم [بی‌تا]؛ نعمت‌الله بن عبدالله جزایری، الأنوار النعمانیة، بیروت ۱۹۸۲/۱۴۰۴؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، اصل الآمل، چاپ احمد حسینی، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵؛ عبدالحی حسینی، نزهة الخواطر و بهجة المسموع و النواظر، حیدرآباد دکن ۱۳۸۲-۱۳۸۱/۱۹۶۲-۱۹۸۲؛ محمدباقر بن زین‌العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲؛ محمدعلی بن صادق کشمیری، کتاب نجوم السماء فی تراجم العلماء، قم ۱۳۹۴؛ علی خان بن احمد مدنی، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، تهران [بی‌تا]؛ حسین بن محمدنقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، چاپ محمدرضا نوری نجفی، تهران ۱۳۲۱.

/ داود الهامی /

بخرانی، حسین بن محمد - عصفور، آل

بخرانی، سلیمان بن عبدالله بن علی ماحوزی یسزروی، فقیه و محدث قرون یازدهم و دوازدهم. در رمضان

ریاض الدلائل او در فقه، نسل‌های متأخر فقط بخشی از فصل طهارت را می‌شناختند. بخرانی، علاوه بر آثار فقهی دیگر، دو رساله در منطق و چندین رساله در کلام تألیف کرد. در رساله فی وجوب الجمعة عیناً، که به رساله فی عینة صلوة الجمعة نیز معروف است، و آن را در ردّ رساله‌ای از شاگردش سلیمان بن علی شاخوری (متوفی ۱۱۰۱) نوشت (خوانساری، همانجا)، برگزاری نماز جمعه را حتی در روزگار غیبت امام دوازدهم، بر مؤمنین واجب دانست. هیچیک از آثار بخرانی به چاپ نرسیده، و در حال حاضر حتی معلوم نیست که به شکل نسخه خطی نیز موجود باشد.

منابع: عبدالله بن عیسی اندلی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۶۸-۶۹؛ محسن امین، اعیان الشیعة، دمشق ۱۹۳۵، ج ۱۰، ص ۲۰۵-۲۱۰؛ سلیمان بن عبدالله بخرانی، فهرست آل بابویه و علماء البحرین، قم ۱۴۰۴؛ یوسف بن احمد بخرانی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمد صادق بحرالمعلوم، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، ص ۳۶-۳۹؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، اصل الآمل، چاپ احمد حسینی، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵، ج ۲، ص ۲۸-۲۹؛ محمدباقر بن زین‌العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲، ج ۱، ص ۸۸ عباس قمی، فوائد الرضویة، تهران ۱۳۶۷، ص ۳۶-۳۷.

J. G. Lorimer, *Gazetteer of the Persian Gulf, 'Omān, and Central Arabia*, IIA, Calcutta 1908.

/ کولبرگ (ایرانیکا) /

بخرانی، جعفر بن کمال الدین، عالم و شاعر امامی مذهب قرن یازدهم. در حدیث و رجال و تفسیر و قرائت ماهر بود (خوانساری، ج ۲، ص ۱۹۱). از معاصران حرّ عاملی (متوفی ۱۱۰۴؛ ج ۲، ص ۵۳) و عروسی خویزی صاحب تفسیر نورالثقلین (امین، ج ۴، ص ۱۳۷) و از شاگردان علی بن سلیمان بخرانی و نورالدین علی بن ابی‌الحسن عاملی بوده و از ایشان روایت کرده است (کشمیری، ص ۸۵؛ خوانساری، همانجا؛ امین، همانجا؛ حسینی، ج ۵، ص ۱۱۰) سیدعلی خان مدنی (متوفی ۱۱۲۰) که او را «شیخنا» و «شیخناالعلامة» خوانده (ص ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۴۶) و سید نعمت‌الله جزایری (متوفی ۱۱۱۲)، چنانکه خود گفته (ج ۴، ص ۳۰۸)، از جمله شاگردان او بودند (کشمیری، ص ۸۶؛ امین، همانجا). سلیمان بن علی بن ابی‌ظبیه از او روایت کرده و علم و فضل و اخلاق او را ستوده است (یوسف بخرانی، ص ۷۰، پاورقی).

بخرانی با صالح بن عبدالکریم بخرانی، محدث و فقیه (متوفی ۱۰۹۸)، دوستی داشت و چنانکه محدث نوری (ج ۳،